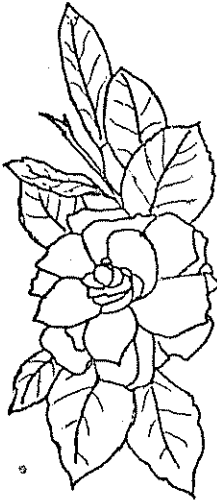


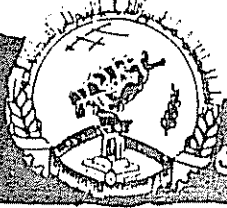
گامی فراپیش بسوی فهم قرآن

۲



آنچه ما از
سوره "قدر"

فهمیده ایم



۲ ده توحیدی قیام مستضعفین افغانستان



متن حاضر خنرانی یکی از برادران گروه توحیدی در شب قدر سال ۱۳۶۶ مطابق به سال ۱۴۰۷ هجری قمری است که اینک ادامه جروه مبحث گامی فرایتر بسوی فهم قرآن " به نشانه سپرده ایم .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۗ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ۗ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ نَهْرٍ ۗ نَّزَّلَ الْمَلَكُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ ۗ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطَلَعِ الْفَجْرِ ۗ

ترجمه

ما آنرا فرود آوردیم در شب قدر . وجه میدانی که شب قدر چیست ؟ شب قدر از هزار ماه برتر است فرشتگان و آن روح در این شب فرود می آیند بخداوند شان از هر سو . سلام بر این شب تا آنگاه که چشمه خورشید ناگهان می شکافد .



"بنام خدای مودم"

در شبی اینگونه مقدس و پر عظمت که بویژه با نام و خاطره‌ی
مند شهادت پیشگام عدالتخواه مستضعفین، امام علی پیوندد-
، سخن گفتن برای من، با این بضاعته اندک مسلماً دشوار است
عظمت این شب - که شب نزول قرآن است از سوی و شکوه و عظمت
که تجسم عینی و کامل و تمام عبار مکتب ماست از جانبی
گینی مسئولیتی که در برابر این دو داریم از طرفی بزرگتر
نست که به سادگی بتوان از آن سخن گفت. از اینرو فقط کوششی
م داشت برای طرح فهرست گونه آزمایلی که از سوره‌ی قدر
ان فهمید. تذکر اینکه طرح این مسایل محصول تأملی است که
سلمان، با احیای شب قدر بدان دعوت شده است و در این بیان
ادعای خود بزرگ بینانهای مبنی بر، اینست و جز این نیست
شواند وجود داشته باشد - زاید بنظر میرسد. به هر حال اگر
آن چیزی که بیان خواهم داشت بتواند دعوتگر تأمل و تفکری
ورد این شب و این سوره باشد من به مقصود خودم رسیده‌ام اگر
نتیجه گیری‌هایم با عدم قبول مواجه گردد. ✓

در مورد عظمت شب قدر و لزوم احیای آن روایات عدیده-
وجود است، حاکی از آنکه قرآن در چنین شبی نازل شده است.
این بدان معنی است که احیای شب قدر صرفاً تجلیل از یک
ه‌ی تاریخی است و بس؟ طبیعی است که در آن صورت احیای شب
به خواندن چند رکعت نماز و احیاناً آیاتی از قرآن و برای
یکه خیلی‌ها مؤمن و متعبدند و بقول شیخ اجل سعدی متعبد
خیز و مولع زهد و پرهیز، مراسم دعای کمیل و چند دور تسبیح
و درود و سرانجام ذکر مصیبتی محدود خواهد شد. در آن صورت
هر سخن گفتنی که نه در این محدوده باشد فقط میتواندد
مه‌ی اصلی را مختل نماید و مؤمنین را از کسب ثواب باز دارد. ✓

نظیر این چنین برنامه های الان جریان دارد و شما نیز اگر می خواستید در همین حد قانع می بودید، مسلماً به آن مجال می رفتید بخصوص اینجا که آدمی نظیر من، بی هیچ یک از علائق و تشبیت شده از قبیل عبا و عمامه و ریش و لقب حجة الاسلام، آن که جواز سخن گفتن از اسلام و قرآن و امامت به حساب می آید، میگوید، نبودید. ✓

سیاق آیات شریفه با تأکیدی که بر لیلۃ القدر است، تکرار پیهم و پیوسته بدان می شود؛ دعوتگر تأمل و تفکری از این تصور است بویژه اگر روایتی را که تفسیر برهان و هاتفسیر مجمع البیان دایر بر ادامه شب قدر از پیامبر اکرم می کند مورد توجه قرار دهیم. بر مبنای این روایت، پیامبر اکرم می پرسد: آیا شب قدر فقط در عهد انبیا بوده و یا رحلت آنان خاتمه می یابد یا اینکه ادامه دارد؟ ✓

پیامبر اکرم می فرماید: شب قدر تا قیامت ادامه می یابد. محتوی همین روایت در پاسخی که امام حسین (ع) فرموده است: «ای می فرماید این چنین بیان شده است: اگر شب قدر یافته باشد در واقع قرآن خاتمه یافته است. ✓

بر اساس این روایات بروشنی میتوان استمرارش را باور داشت و احیای آنرا به عنوان یادی از واقعه ای در محدود ساخت که حتی در مورد همین سوره نیز استمرار و جالیلیۃ القدر با وضوح تمام بیان شده است. ✓

تنزل الملائكة والروح فیها بان ربهم من کل امر تنزل مزارع است و حال و آینده را در بر میگیرد در این شب ملائکه نازل می شوند و نزول آنان استمرار دارد این ملائک حامل هر امری هستند. ✓

در مورد شأن نزول این سوره یکی از روایات مورد

شر محدثین این روایت است که پیامبر اکرم در خواب می بیند بوزینه ها بر منبر او بالا رفته اند (این بوزینه ها همان امویان تند) . حضرتش بی نهایت غمگین و ملول می شود و این سوره بسه خوان پاسخی تسلی ده و آرامش بخش بر قلب مبارکش نازل می شود .
 ضوع فضیلت و برتری شب قدر بر هزار ماه که بنا بر روایت از امام بن (ع) اشاره ایست بر حکومت هزار ماهه بنی امیه قرینه ایست بر نت روایت فوق . توجه داشته باشیم که انقراض حاکمیت شوم و پلید سویان چند سال پراز شهادت امام حسن (ع) بوقوع پیوست در حالیکه ز رویکار آمدن آنان درست هزار ماه می گذشت . و این شاهد صدقست بر تفسیر امام (ع) از سوره قدر و یکی از جمله پیشگویی های معجزه سای قرآن است . که رافعی در اعجاز القرآن در ردیف معجزات علمی آن از آن یاد می کند .

مع الوصف آنچه برای ما مهم است و ضروری ، اینست که ما را اوضاع و احوال کنونی از این سوره چه می فهمیم و این سوره چه یامی برای ما دارد . اگر نزول این سوره صرفاً و فقط به خاطر تسلی لب پیامبر (ص) نازل شده باشد ، بهر حال مسئله ایست مربوط به گذشته در نهایت به عنوان نمونه ای از عنایت و استعانت پروردگار به پیامبرش تلقی گردد .

با در نظر داشت آنچه تا حال گفته آمدیم قبل از همه باید ببینیم قدر چه معنی دارد ؟ زیرا این کلمه در واقع عنوان وره شریفه است و در فهم معنوی ما را یاری می کند .
 قدر به معنی مرتبه "مقام" و "ظرفیت" و "اندازه" بکار رفته است و تقدیر از همین ریثه به معنی سرنوشت آمده است . به زبانی دیگر این کلمه حامل دو معنی است و دو مفهوم را در بطن خود دارد یکی "مرتبه" و "اندازه" یعنی "سرشت" و دیگری "سرنوشت" .

چه ارتباطی میان این دو مفهوم سرشت و سرنوشت وجود دارد ؟ /

بر مبنای جهان بینی توحیدی ارزش هر پدیده‌ای بر مبنای ظرفیت و توانمندی اوست که آن پدیده در جهت حرکت تکاملی اش به غایت هستی دارد. و به بیانی دیگر آنچه که در شدن يك پدیده (انسان یا آفاقی) نقش اساسی و تعیین کننده دارد می‌کام نبرم درونی و ظرفیت آن پدیده است که اساساً هدایت چه در انسان و چه در سایر پدیده منوط به ظرفیت و مرتبه هر يك از آنهاست. الذی قدر فهدی - آن‌ها وندی که تقدیر فرمود یعنی ظرفیت بخشید و هدایت نمود. ✓

حرکت جوامع انسانی به عنوان نمونه مدعای فوق می‌تواند مورد توجه قرار گیرد بدین معنی که حرکت هر جامعه و رسیدن هر یک از جوامع بشری به مراحل تکاملی بالاتر؛ بسته به ظرفیت و توانمندی اوست که آن جامعه دارد و چه بسا جوامعی که بخاطر فقدان ظرفیت هلاک و نابود گردیدند؛ نظیر قوم لوط یا عاد و ثمود و... درک و شناخت این ظرفیت بویژه برای عمر پیشگام نه فقط ضروریست که بدون شناخت این ظرفیت قادر به انجام هیچ عمل نخواهد شد و جز افتیدن به ورطه خطرناک چپ‌روی و راست‌روی بجا نخواهد رسید. ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم در حقیق اشعار به همین مطلب دارد که خدا حال هیچ قومی را تغیر نمیده مگر اینکه آنان در نفس‌های شان دگرگونی ایجاد کنند. ✓

در هستی و آفرینش حرکت و تحول به عنوان یکی از سبب‌های تغیر الهی حکومت میکند؛ اما کیفیت این تحول و دگرگونی چه است پدیده‌های طبیعی و چه در جوامع انسانی بسته به ظرفیت و سرشت هر يك از آنهاست. ✓

خدا اراده کرده است تا بر مستضعفین و محرومین فاعل و شکم گرسنگان منت بگذارد و آنها را بیشوا و وارث زمین بگرداند (تفاوت این بیان را با تلقی آنانیکه مردم را هم چون مفسد و مجانین برای همیشه نیازمند ولی و سرپرست می‌دانند را ملاحظه

اما تحقق ارادهٔ پروردگار مردم دقیقاً بسته به ظرفیت نمندی ایست که مستضعفین در خود پرورانده اند. و گرنه مستضعفینی که خود بر خویش ستم می کنند و در نتیجه جز یاداشی نمی یابند چنانچه که ذکر آنان در آیه ۹۷ سوره نساء و نه آمده است:

ان الذین توفیهم الملائكة ظالمی انفسهم قالوا فیم كنتم
 كذا مستضعفین فی الارض قالوا الم تكن ارض الله واسعة
 روا فیها فا و لك ما واهم جهنم و ساءت مصیرا .

همانا آنانکه فرشتگان در یابندشان ستم کنندگان بسر
 ن گویند در چه بودید؟ گویند ما مستضعفینی در زمین بودیم
 مگر زمین خدا پهناور و گسترده نبود که در آن هجرت کنید .
 جایگاه شان دوزخ است و بد با زگشتگا هیست ۱۰

هم ازینروست که خداوند می فرماید ان تنصروا لله ینصرکم
 و یاقدا مکم - مرا یاری کن تا ترا یاری کنم - دعوت
 یاری و همکاری با چنان مرا حتی که نیازمند هیچ تفسیری نیست
 از جانب خدایی که نیازمند نیست ۱۰

قبل بر این گفتیم که شناخت ظرفیت و توانمندی جامعه یکی
 اسی ترین و جایب پیشگام است چه انسان بر مبنای همین ظرفیت
 ه میتواند خودش را از چارزندان (طبیعت - تاریخ - جامعه
 ان من) که در یک پروسهٔ درازیمدت تحقق می یابد رها کند
 ازینروست که با قاطعیت میتوان گفت که با عدم شناخت این
 و توانمندی هیچ کوششی نمیتواند مثمر ثمری گردد ۱۰

بعنوان مثال : ما در موقعیت یک جنگ فد استعماری رها -
 ش قرار داریم در این جنگ اقشار و طبقات مختلف جامعه ما
 ابر روسها به پا ایستاده اند اما هر یک از این اقشار

و طبقات ظرفیت و توانمندی (سرشت) خاص خودشان را دارند و در برد جهاد و مقاومت کنونی دارای ظرفیتی یکسان نیستند بدین ما که بعضی ها دارای چنان ظرفیتی هستند که تا تحقق استقلال و آزادی کامل خواهند ریزید ، اما تعدادی نیز هستند که با طی مسافت کم و درازای بهای اندکی شمشیر جلد را بوسه می زنند ، که نمون از آنها هم اکنون شاهد هستیم که چگونه از در سازش و تسلیم دشمن گذار مردم وارد می شوند ✓

در درازنای تاریخ مقاومت ضد سلطه اجنبی ملت ما در سال بدینسو ، پیوسته شاهد بوده ایم که زومندان ، ملاکین ، خواجگان و سرداران و زمینداران با پشت کردن به توده های میلیونی ما محروم ، خود را به دشمن فروخته اند در حالیکه مردم تا پای جبهه در راه آرمان انسانی خویش استواری به خرج داده اند . ✓

پیشگام انقلابی باید بشناسد که کدام یک از طبقات

ظرفیت متعالی را در پیشبرد نبرد ضد استعماری و رهایی بخش تحقق کامل استقلال و آزادی و پایان دادن به حاکمیت استعمار تا بتواند تکیه گاه اجتماعی خویش را انتخاب نماید ، در غیر این صورت تسبیح شیخ و خرده ی رند شرابخوار را هم عنان خواهد دید

هر تحول اجتماعی محصول روابط پیچیده ایست که در بر

یک تاریخ تحقق می یابد ، هیچ انقلابی یک شبه به پیروزی نمی رسد
هر انقلابی همچون یک موجود زنده مراحل گوناگونی را باید بپیماید
تا به رشد لازم برسد ؛ این بر عنصر پیشگام است که مراحل مشخص

انقلاب را بشناسد و بداند که در کدام مرحله قرار دارد ؛ مثلاً آن
مرحله یک جنگ ضد استعماری است یا در مرحله یک نبرد ضد استبداد
و یا در مرحله مبارزه ضد استعماری ؟ تا بسته به همان موقعیت

استراتژیک خود را مشخص و اعلام نماید . در غیر این صورت در و ظرفیت تاریخی جامعه اش را نشناخته است و طبعاً نمی تواند حر

این یکی از مفاهمی است که میتوان از این سوره فهمید.
 این اساس شب قدر شب خاصی نیست که هر شبی شب قدر است و هر لحظه
 از لحظات زندگی ما - شب قدر است مگر نه اینست که عملکرد هر
 ما بر سر نوشت آینده ما مؤثر است. بر این اساس درک هر لحظه
 در مرحله ای که در آن قرار داریم و آگاهی از موقعیتی که در آن
 سر می بریم احیای شب قدر است ۷۰

می دانیم که بعثت پیامبر در بیست و هفتم رجب است و -
 ت با نزول آیه اقرأ باسم ربك الذی خلق آغاز می شود، خاتمه
 قرآن نیز در پایان حجة الوداع صورت می گیرد و در طی همین
 یعنی ۲۳ سال قرآن تدریجاً نازل می شود. در حالیکه ظاهر سوره
 حکایت از نزول قرآن در ظرف يك شب دارد. از همین رو عده ای
 اند که قرآن یکجایی در لوح محفوظ نازل شده است و سیر
 طی ۲۳ سال بر پیامبر فرود آمده است و یا جمعی دیگر
 بیات دیگری که ضرورت ذکرش نیست نموده اند ۷۰

ما بر این باوریم که نزول قرآن و وحی هیچگاهی خاتمه
 فته و خاتمه نمی یابد و قرآن پیوسته در حال نزول است. آری
 قرآنی که اکنون در اختیار همگان است اما اغلباً معنی آنرا نمی
 سند. آیا این بدین معنی نیست که قرآن برای اینها نازل نشده
 . وحی را همانگونه که معلم شهید شریعتی می گوید: همچون باران
 چون سرزدن آفتاب يك قانون طبیعی است و خاتمه ناپذیر. قرآن
 رسته در حال نزول است نزول بر قلب يك و امی می که در بستر
 مان، پالوده از هر شرکی و سترده از زنگار هر کفری در زیر پرده
 ارش قرار دارد. در اینجا مسئله اساسی فهم و دریافت قرآن
 ت نه بخاطر سپردن الفاظ آن. فهم و درک قرآن تطبیق آن بر
 بیط مشخص زمان ما و بهره ور شدن از هدایت قرآن مستلزم داشتن

قلبی است متقی و نیالوده که قرآن هدایتگر متقین است .
 اَلَمْ . ذَلِك الْكِتَابُ لِارِيبَ فِيهِ هَدًى لِّلْمُتَّقِينَ .

کتابی که در آن هیچ شک و ریبی نیست هدایت متقیان
 تقوی را پرهیزگاری معنی نموده اند یعنی نکن - ن
 نخور و ... درحالیکه تقوی امری اثباتی است نه سلبی و ع
 است از پاسداری آن جوهره خدایی و خویشتن انسانی که انسان ب
 آن خلیفه خدا لقب گرفته است از گزند آفات شرک که به انس
 شخصیت شیطانی می بخشد .

درک قرآن مستلزم تقوی انسانی است و رمضان بسترب
 برای رسانیدن انسان به مرحله ی تقوی که رمضان عمیان بر آن ما
 است که خویشتن خدایی را از انسان گرفته و او را حیوانی می پر
 بنده مادیت و شکم . با چنین برداشتی رمضان نیز ماه بخصوصی ن
 در عین حالیکه هست و در حقیقت امر بصورت رمزی و سمبلیک نش
 دهنده این امر است که عنصر موحد پیشگام باید همیشه در رمضان
سر ببرد و همیشه بر این مادیت کور و فد خدایی که حجاب قلب
 شده است و مانع از آنکه انوار پر درخشش و ظلمت زدای وحی ب
 بتابد - عامی باشد و اسیر خواسته های پلید حیوانی و هوس
 شیطانی نگردد تا شب قدر را دریابد که شب رقم زدن سرنوشت ما س
 در لحظات حساسی که بر جوامع انسانی میگذرد هر روز
 است شب قدر باشد و هر لحظه ای . چه زمانی که سرنوشت ملتی رقم
 زده میشود و کمیت های متنوعی متراکم میگردد تا کیفیتی گسار
 را پیشتر شود شب قدر همان ملت است .

رسالت عنصر پیشگام موحد است که در چنین شبهایی م
 با سلاح آگاهی، بیدار باشد و بیداری بیخشد و آگاهانه ، رسال
 آگاهی بخشی خویش را انجام دهد . بر اوست که در لحظه لحظه ی ش
 قدر ملت خویش حضور داشته باشد که قرآن در همین لحظات ن

شود یعنی در متن پیکار و نبرد و جهاد ملتها و خلقهای مظلوم -
 ر کسی که در متن این مبارزه حضور دارد و فرشتگان و روح (قدرت
 و فهم قرآن) در همین لحظات از جانب پروردگار سلامت و ایمنی
 آورند.

آری

ست
 در مدرسه کس را نشود دعوی توحید - منزلگه مردان موحد سردار را
 آنانی که غافل از سرنوشت شوم و سیاه خلقها و بخاطر
 ر از انجام رسالت انسانی خویش گوشه های تاریک مدرسه ها را بر
 ه اند تا دود چراغ بخورند و بر ظلمت و تاریکی درونهای
 بیفرایند نمی توانند قرآن را بفهمند بلکه آنانی قادر به
 نت و دریافت این کتابند که با شناخت زمان خویش و با استکاء
 ی که در شب قدر همیشه تاریخ در حال نزول است تا هدایتگر
 ای بی سرنوشت در جهت تعیین سرنوشت شان باشد در متن مبارزات
 حضور دارند.

کم نیستند آنانی که سالیان دراز در حجره های نمور
 ریک به تفسیر قرآن پرداخته اند اما خود از آن هیچ چیزی نه
 ده اند همچنانکه هیچ کسی از تفاسیر آنان چیزی فهم نکرده -
 زیرا: اینان فقط در بند ذهنیات و تصورات ذهنی شان بوده و از
 بیت ها اصولاً بی خبر بوده و کاری بکار آن نداشته اند و تمامی
 شان محدود به حل مسایل از طریق ذهن بوده است.

مثلاً در اثبات وجود آسمان و پاسخ این مسئله که آسمان
 یا نیست؟ هرگز در صدد بوجود آوردن امکاناتی که از طریق
 و عینی و تجربی پاسخ به این مسئله را ممکن سازد نبوده اند
 با این استدلال ذهنی که: آسمان مشارالیه قرار میگیرد
 ما بسوی آن اشاره می کنیم و از آنجا که در انتهای خط
 باید چیزی وجود داشته باشد زیرا عدم نمی تواند مشارالیه

قرار گیرد نتیجه گرفتند که آسمان وجود دارد (۱) ۰۰۰ درحالی که با وجود این استدلال امروزه اثبات شده است که آسمان انعکاس تابش نور بر سطح آب است ، و اینان نه فقط با واقعیت ها کما نداشتند که طرح مسایل از جانب اینان فقط بخاطر انحصار و انحراف ذهن از واقعیت های جاری به سوی مسایل لایعنی بوده مسایلی که نفی و اثبات آن علی السویه سودی به حال مردم ندارد ، نظیر این مسئله که : برادران یوسف، پیراهن یوسف را با کدام حیوان رنگین نموده بودند ؟ با خون بره یا خون آهو یا با چوب دستی حضرت موسی از چوب کدام درخت بوده است ؟ ✓۰۰۰

طبیعی است که با چنین تلقی ای از قرآن قرآن نه هدایت مردم است و نه مردم حق دارند و میتوانند تلاشی و کوشش برای فهم آن بنمایند - بگذریم ✓

در چنین شبی است که ملائکه و روح نازل میشوند و ب آنهايي که چنین شبی را احیاء کرده اند و بیدار بوده اند، سلامتی را به ارمغان می آورند ، طبیعی است که بیداری نه به خواب نبودن و یا به دعا هایی بدون در نظر داشت محتوی و معنی مشغول شدن در شب خاص بلکه در شب سرنوشت ملت خویش صلح با ک (ایدئولوژی) و آگاهی ، با قلب هایی سترده از زنگار هر کفر پالوده از غبار هر شرکی در زیر بارش جاری وحی قرار گرفته دست اندر کار ساختن سرنوشت آینده خود و ملت خویش بودن است اکنون دو تلقی از مذهب وجود دارد یکی تلقی مذهب که بر مبنای آن مذهب خودش هدف است و ازینرو دنبال فهم رفتن کاریست لغو و بیهوده که قرآن برای تقدس است و بوسیله و بر سر گذاشتن و حتی نه برای خواندن بل برای به سینه چپا و اینرا از لفظ قرآن که از ریشه (قرن) به معنی نزدیک است است و نه آنگونه که می گویند از ریشه قرأ به معنی خواندن

نهمید . بر اساس این تلقی انسان حایز هیچ اهمیتی نیست
 ادی انسان پیشیزی نمی ارزد یعنی " اقتصاد مال خراست آزادی یعنی
 ، بند و باری و لایالی گری - شعار استکبار است - جامعه بی طبقه
 چیدی جامعه گاو و خراست ، عدالت اجتماعی شعار کمونیست های لا -
 وب و بی خداست ، انقلاب اسلامی برای ملت نیست برای مردم و کشور
 ست برای اسلام است و خلاصه ما فقط اسلام را می خواهیم ✓

با چنین تلقی و برداشتی نیازی به تأمل و تفکر و اندی -
 بدین پیرامون سوره قدر نخواهد بود کافیت همچون خیل کشیری از
 منین رکعتی چند نماز بجا آریم و در نهایت باخاموش کردن چراغها
 دعای ندیه خواندن (بی توجه به معانی آن) وجدان مذهبی خویش
 راحت نماییم . خاموشانیدن چراغها و ترسیدن از روشنایی ماهیت
 نور است که جلالت ارتجاع ظلمت پرست و تاریکی پرور را از مذهب
 نویسی بازگو می کند ✓

قرآن را ببین که به آفتاب و مهتاب قسم می خورد و به
 ناره شب گرد و پرده در ظلمت سوگند یاد میکنند - والسماء والطارق .
 سوره ای به اسم سوره نور عنوان گذاری می نماید ؛ ولی پاسداران -
 مت و خفاشان شب پرست ، دشمنان نور و روشنایی ، از نور می هراسند
 خدا را نیز دوستدار ظلمت و تاریکی می پندارند و یا اینکه از
 بابل شدن با خدا با چهره های سیاه و پلید خویش می هراسند ✓

تلقی دوم تلقی آنانیست که بر اساس جهت گیری کتاب
 با و به تاسی از پیشگامان موحد انقلابی یعنی پیامبر و اهل بیتش
 ملام را نه هدف بلکه وسیله ای جهت تحقق رستگاری و رهایی و صلاح
 انسان میداند همچنانکه قرآن کریم می فرماید :

لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و
 میزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه بأس شديد
 منافع للناس ✓

در این آیه شریفه ارسال رسل و بعثت انبیا و انسر کتب به عنوان وسیله جهت برانگیزانیدن مردم در جهت تحقق قسم معرفی میگردد و نه اینکه خود هدف قرار گیرند ✓

با چنین برداشتی است که سوره قدر و شب قدر را تأمل و تعمق می‌نشینیم و در همین راستاست که فهم آنرا ممکن میدانیم . بر گردیم به روایتی که در مورد شأن نزول این سوره ذکر شد . پیامبر اکرم خواب دیده است که میمونها بر فراز من او بالا رفته اند، غمگین و ملول می‌شود، اما خدای بزرگ با نرس این سوره وی را تسلی می‌بخشد که ای محمد^ص، بررغم آنکه روزی را گاری میمونها بر منبر تو بالا خواهند رفت و محراب ترا تصیب خواهند کرد و حتی بر کعبه نیز مسلط خواهند شد پیروزی از آرزوست و شکست نصیب حتمی آنها . مبادا ما یوس گردی که هزارم حکومت بنی امیه در برابر این شب قدر فاقد هر ارزشی است و نتواند خبری به آنان رساند ✓

آیا این تسلی فقط برای پیامبر است ؟ یا برای همه پیروان او و همه کسانی که به طریقت محمد^ص و پیام او مؤمن اند و رسالت خویش را خداوم رسالت پیامبر خویش میدانند ✓

با در نظر داشت آنچه که تا حال در مورد تداوم شب قدر تداوم نزول وحی گفتیم ، این سوره پیامی است به همه رهروان طریقه محمد^ص و آنانیکه در این مسیر رویا روی اخلاف بنی امیه و سفیان زمان خویش قرار دارند و منبر و محراب و مسجد و کعبه خویش را تصرف اینای معاویه و ابوسفیان می‌بینند مگر نه اینست که جر سفیانی هنوز خاتمه نیافته است . ای شما که پیام محمد^ص را ایمن بسته اید و میراث خونین علی و یاران خویش را به پاسداری مشغول از اینکه وارثان بنی امیه بر منبر و محراب تان مسلط شده اند بنام مذهب و دین تان سخن می‌گویند و فتوای تکفیر پیشگامان می

مادر و قتل عام عترت محمد^۳ و فرزندان فاطمه را امضا^۴ مینما-
 و اسلام را در ملکیت انحصاری خویش در آورده و کعب الاحبارها
 و آن مفتی دین مبین بخشیده و ابوذر را در تبعید ریزه به
 دریجی محکوم نموده و علی را به خانه نشینی و لب فرو بستن
 داشته و از حق جهاد محروم ساخته و به جای ذوالفقار بیسل
 و بدستش داده و ویرا به مزدوری مردی یهودی وا داشته و قاتل
 نویره و متجاوز به ناموس او را فرمانده مجاهدین و سیف الله
 و ل لقب بخشیده مبادا مأیوس و نا امید شوید و حاکمیت آنها را
 و پایان نا پذیر پندارید و خود را شکست خورده ✓

اگر شب قدر تان را نیک دریا بید و در شب قدر تان هوشیار
 ه بوده آنرا احیاء نمایند و با گذار از بستر رمضان به شب
 سیده باشید هیچ گزندی متوجه شما نخواهد بود که فرشتگان
 پیروزی نهایی و تا طلوع فجر پیروزی و پایان حاکمیت شیب
 ت، سلامتی و ایمنی برای تان به ارمغان می آورند. پیروزی از
 است اگر چه یک فئه قلیل باشید و اگر چه دشمنان تان از حد
 و از شماره بیرون باشد ✓

اکنون دیر گاه هست که نجیب نا نجیب نیز ادعای مسلمانی
 فقط مسلمانی که اسلام پناهی دارد و با به خدمت گیری مثنی
 روش بی نام و ننگ، در پوشش وزارت شئون اسلامی و روحانیت
 و کذا و اعمار مساجد و دایر نمودن مسابقه قرائت و ایجاد
 علوم اسلامی سعی در پوشیدن سیمای حقیقی خویش دارد و اسلام
 ثوی و عاری از مفهوم مرتجعین عملاً این امکان را به او بخشید
 از طرفی نیز هر برداشت مترقی و انقلابی از قرآن و اسلام
 ا ق تکفیر و تفسیق متولیان رسمی مذهب و استعمار گران انحصار
 و برو میگردد. برای آنانیکه با درك مترقی و انقلابی از اسلام
 لام روسی و اسلام آمریکایی و اسلامی که توجیه گر حاکمیت

مرتجعین فتودال و سرمایه داراست عیان کرده اند، هیچ پیامی برانگیز تر از سوره قدر نمی تواند باشد. ✓

پس نباید از هیچ قدرتی و از هیچ نیرویی هراسید که شب های قدر خویش و شب های سرنوشت ملت خویش را، مسلح با سلاح و با رسالت آگاهی بیخشی و بیدار سازی مردم، بیدار باشیم آنه تعیین کننده سرنوشت ما است بیداری و آگاهی در همین شب هاست چند میمونهای سرخ و سیاه پر از پشم و کثافت قدرتمند هستند حکومت و حاکمیت استعمارگرانه و مزورانه بر مردم دارند و سا درازیت که با عقاید و ارزشهای مذهبی و معنوی مردم بازی می و هر چند بزرگ ترین قدرت های امپریالیستی تکیه گاه و حامی ا غاصبین منبر و محراب باشند و رسمیت آنها را با زور سرنیزه و سرمایه و سلاح تخمین نمایند. ✓

بر رغم بزدلان فرصت طلب و جبونی که به اعتبار تا و نفوذ هزار ماه مرتجعین بر مردم عوام لوای تابعیت آنها را دوش میکشند و بر نعلین آنان بوسه میزنند تا از چماق تکفیر تفسیق شان در امان بمانند و با سلامتی به زندگی خویش ادامه ایمنی و سلامتی از جانب خداست و فرشتگان مقرب خدا، آنها را به احیا گران شب قدر هدیه می آورند. ✓

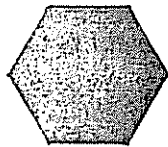
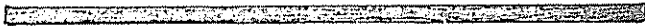
آنچه که بویژه عمیق و جالب است و در فهم پیام برانگیز و دشمن شکن قدر ما را یاری می بخشد - هنرمندی و بد دست تقدیر است که چه زیبا و چه هنرمندانه رمضان و شب قدر نام و یاد علی و خاطره شکوهمند شهادت امام عدالتخواهان و حریت خواهان پیوند می زند و این هرگز تصادفی نیست. ✓

علی الگو و نمونه تمام عیار پیشگام موحد مجاهد که در بستر رمضان به شب قدر رسیده است و با پذیرش آگاهانه شهادت در این شب به جاودانگی می رسد. این یکی از اساسی ت

رژگیهایی مکتب ماست که بر خلاف ارسطو مشرب های ذهنیت با ف با
 ندهی الگویی عینی و تجسم واقعی دعوتگر انسان میگردد. ✓
 در چنین شبی علی بعنوان الگوی تمام عیار پیشگام موحد
 امام مجاهد و رهبر انقلابی پیش روی ماست و دعوتگر ما . هم اوست
 در این شب از شدت عدلش و بخاطر پافشاری بر آرمان های والا و
 نلابیش و بخاطر پایمردی در ادامه راه استاد و معلم و رهبرش
 حمد (م) و استواری در جهت حفظ میراث عظیم انقلابی او در محراب
 (رزمگاه) شربت شهادت می نوشد . و اکنون پیران هزار و چارصد
 و بر رغم همه توطئه و دسایسی که بخاطر فراموشاندن نام و خا
 نشان جانب حکام اموی و عباسی و . . . جریان داشته و بر رغم
 شورش و کوشش ارتجاع سپاه صفوی و . . . بخاطر مسخ چهره تابناک و
 نلابیش همچنان زنده و جاوید است و در سلامتی کامل که امام است
 امام زنده جاوید ✓

امام علی در محراب عبادت شربت شهادت می نوشد و در فوران
 سرخ و مطهرش این حقیقت اسلام را که محراب (حربگاه) عرصه
 کار است و جهاد و مبارزه ؛ به همه عابدان و زاهدان تاریخ اعلام
 مید تا آنانیکه عبادت و محراب و مسجد را وسیله ای برای گریز
 انجام تعهد اجتماعی و رسالت انسانی و فرار از عرصه ی پیکار
 و فد خلق و گریز از میدان نبرد حق و باطل و مردم و فد مردم
 نخاب نموده اند این حقیقت را با الگویی روشن و عینی بشما نمود .
 با گذران شب قدر است که عید فرا می رسد و روزه داران
 عید بیکه شب های قدر را احیاء کرده اند عید را در می یابند
 بازگشت به خویش معنی میدهد و رسیدن به آن خویشتن زلال توحیدی
 ندایی که نظام شرك حاکم بر جامعه و تاریخ و اقتصاد و سیاست
 ذهاب شرك آلود حاکم و ایدئولوژی های فد توحیدی در محاق فراموشی
 برده بود ✓

عید یعنی با زگشت به خویشتن حقیقی و رها شدن از ق
 و بند خویشتن شرک آلود و شیطانی و ملاقات خویشتن توحیدی و خد
 انسان و ... چنین است که امام علی تا لبه زهر آگین شمشیر
 ملجم را بر پرده های مغز خویش احسان معابد فریاد می زند ف
 ورب الكعبه . سوگند به خدای کعبه که رستگار شدم ✓
 پروردگارا ! در شبی این چنین مقدس ما را توفیق بیداری و آگاهی
 گردان تا رسالت علی و ارخویش را بفرا موئی نپاریم
 خداوند ! مردم ما را یاری کن تا در جهاد مقدس و رستاخیز
 خویش پیروز گردند . ✓
 پروردگارا ! عنایتی کن تا رمضان بتری برای رسیدن ما به ش
 قدر باشد . ✓
 پروردگارا ! ما را یاری کن تا علی را الگو و نمونه ی خویش در
 وار ساختن و علی وار زیستن و علی وار مبارزه ک
 و علی وار مژدن خویش قرار دهیم . ✓
 خدایا ! توفیق ماده تا در پایان رمضان به عید حقیقی یعن
 دیدار خویشتن توحیدی و خدایی خویش برسیم ✓

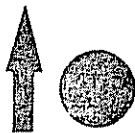


نقل میکنند که ناصرالدین شاه که برای اولین بار
 عکاسی را از اروپا آورده بود از حاج ملاهادی
 ری صاحب منظومه خواست که عکسی از وی بردارد. حکیم
 ی اولین بار چنین خبر غیر منطقی و نامعقول را که
 زین اصولی منافات داشت می شنید. با نا باوری طالب
 بیشتر شد. برای تر توضیح دادند که این ماشین وقت
 بر شی قرار بیگیرد صورت آن شی را در صفحه مخصوصی
 پکند و نگه میدارد. حکیم بزرگ با لحنی تمسخرآمیز و با
 ز عامی بودن آنان که از فلسفه و منطق و اصول و کلام
 بی خبر بودند فرمود (این یک قاعده کلی در علم منطق
 ، ظل (سایه) با رفح ذی ظل (صاحب سایه) برتفع میگردد
 رقی که مس حضور نداشته باشم ماشین فاقد شعور نمیتواند
 مرا در خودش محفوظ دارد. دلیل دوم اینکه سایه جنبه
 دارد نه وجودی پس چگونه میتوان عدم را ضبط کرد و
 نگهداشت. ثالثاً ظل قائم به ذی ظل است و نمیتواند
 مجرد و جدا گردد البته ذهن میتواند این کار را کند
 شین هرگز. گفتند ما بدلیل نا آشنایی با علوم
 مو دید نمیتوانیم جواب شما را بدهیم فقط اجازه بدهید
 ز شما بیگیریم /۰

معصوم العوام

۱۳۶۷ هـ ش

۱۴۰۸ هـ ق



از نشرات گروه توحیدی ...

۱. برنامه آموزش ایدئولوژی

۲. فجر آزادی شماره های ۱ تا ۶

دوره جدید فجر آزادی

منتشر میشود

جزوات :

۱. سیمای رهبران مسؤل - خطبه ۱۶

۲. سیمای رهبران دروغین - خطبه ۱۷

۳. جهاد بیسترتشدن انسان .. ۲۷

۴. خط مشی ۱ - نگرانی بر شعار نه شرقی نه غربی

۵. دیدگاه جدیدی موقعیت زن ...

۶. گام راپیش روی فهم قرآن

۱. سوره النازعات

۲. سوره قدر

۷. روش تحلیل سیاسی

۸. اوضاع جاری و مواضع ما

منتشر شده است